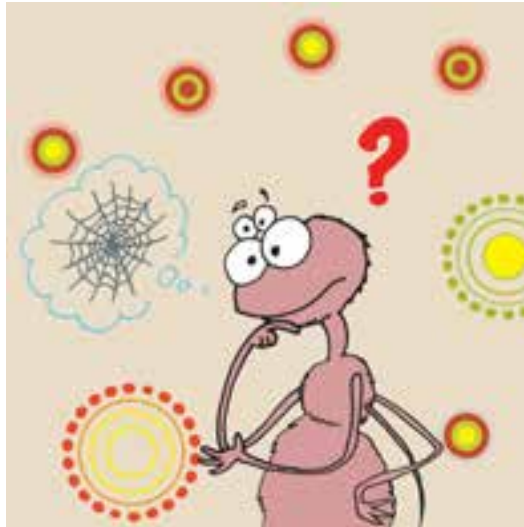


## فرآیند خلاقیت



هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، فراگیر باید بتواند:

۱. مراحل مختلف فرآیند خلاقیت را نام ببرد.
۲. در مورد هر یک از مراحل خلاقیت به صورت مختصر با ذکر مثال توضیح

دهد.

۳. عناصر مربوط به خلاقیت را نام ببرد.
۴. در مورد هر یک از عناصر خلاقیت، شرح مختصری ارائه نماید.
۵. نقش انگیزه در خلاقیت را تشریح کند.
۶. جنبه‌های مختلف انگیزه درونی را شرح دهد.
۷. رابطه عناصر خلاقیت با یکدیگر را با رسم نمودار توضیح دهد.
۸. مراحل خلاقیت را در قالب یک کار عملی انجام دهد.

در فصل قبل، تا حدودی با مفاهیم خلاقیت و تفکر آشنا شدید. برای اینکه درک وسیع‌تری از مفهوم خلاقیت به دست آورید، در این فصل سعی خواهیم کرد با تکیه بر یکی از نظریاتی که در مورد فرآیند خلاقیت وجود دارد، شما را با آنچه در ذهن و عملکرد فرد اتفاق می‌افتد تا نهایتاً محصولی خلاق ایجاد شود بیشتر آشنا کنیم. مفاهیمی که در فصل قبل در مورد تفکر بیان کردیم در اینجا روشن‌تر خواهد شد و با توجه به آن‌ها می‌توانیم به اصولی کاربردی در پرورش خلاقیت و برخورد با عوامل بازدارنده برسیم. شناخت عناصر مربوط به خلاقیت به ما کمک خواهد کرد که عوامل مؤثر را تقویت نموده، این فرآیند را در عمل تسهیل نماییم.

زهرا در کلاس سوم دبیرستان درس می‌خواند. رشته او کودکیاری است. اخیراً معلم از بچه‌ها خواسته است که به صورت داوطلب در مورد یک موضوع مورد علاقه مطالعه کنند و سپس آن‌را در کلاس ارائه نمایند.

زهرا به موضوع تربیت کودکان علاقه‌مند است. به خصوص در این زمینه که چگونه می‌توان اعتماد به نفس و استقلال را در کودکان پرورش داد.

علاقه زهرا به این موضوع البته دلایل گوناگونی دارد. او در بیشتر مواقع به رفتار برادر و خواهر کوچکترش در این مورد توجه می‌کند. از مادرش شنیده است که او خیلی زودتر از بقیه بچه‌ها علاقه داشته که لباسش را خودش بپوشد و یا کارهای مربوط به خودش را انجام دهد. زهرا به علوم انسانی علاقه‌مند است و کتاب‌هایی را نیز در این زمینه مطالعه کرده است. پدرش که تا قبل از بلوغ در یک روستا زندگی می‌کرده است و تا آن هنگام بی‌سواد بوده اکنون در حال گرفتن دیپلم در کلاس شبانه است. به هر حال مشکل بتوان گفت که دقیقاً علت علاقه زهرا به این زمینه چیست اما مجموعه‌ای از عوامل باعث شده است که زهرا شوروشوق عجیبی پیدا کند تا حالا که فرصتی فراهم شده است در این مورد در کلاس صحبت کند.

موقعی که زهرا در مورد عنوان مورد علاقه‌اش با معلم صحبت می‌کند و معلم موافقت می‌کند که او درباره این موضوع کار کند زهرا خشنود می‌شود. او احساس می‌کند که روبه‌رو شدن با این موقعیت، به او احساس واقعی رضایت را می‌دهد.

زهرا بلافاصله شروع به جمع‌آوری اطلاعات در این مورد می‌کند. او به مطالعه کتاب‌هایی که در این مورد در منزل دارد می‌پردازد. به کتابخانه مدرسه می‌رود و با دخترخاله‌اش که دانشجوی علوم تربیتی است در این مورد صحبت می‌کند و از او درباره منابعی که در این زمینه موجود است سؤال می‌کند. زهرا می‌داند برای کاری که در پیش دارد به دست آوردن مواد اولیه از ضروریات است.

پس از چند روز زهرا انبوهی از اطلاعات را گردآوری کرده است. او در مورد روان‌شناسی کودک نظریاتی گردآورده است. در مورد نقش والدین و خانواده اطلاعاتی کسب کرده و روش‌هایی برای افزایش اعتماد به نفس در کودکان را فهرست نموده است. در اینجا زهرا فکر می‌کند مطالبی را که جمع کرده است بنویسد و از روی آن‌ها در کلاس بخواند، او از این ایده خوشش نمی‌آید. بعد فکر می‌کند شاید بهتر باشد مطالب را حروف‌چینی کند و در اختیار بچه‌های کلاس قرار دهد این ایده هم هیجانی برای او ایجاد نمی‌کند. راه‌های دیگری نیز به ذهن زهرا رسید اما به دنبال راه دیگری بود. او با خود می‌اندیشد باید راه جالب‌تری پیدا کنم. راهی متفاوت که برای کلاس سرگرم کننده باشد. او به خود می‌گوید اگر من یک شنونده بودم دوست داشتم این مطلب چگونه به من گفته می‌شد. او خود را به جای بچه‌های کلاس می‌گذارد و در این مورد فکر می‌کند. اما چیزی به ذهنش نمی‌رسد.

پس از مدتی زهرا حس می‌کند که باید زمانی را استراحت کند. او یکی دوروز موضوع را کنار می‌گذارد. یک روز عصر به هنگام تماشای یک کارتون تلویزیونی، دفعتاً به ذهنش می‌رسد که اگر بشود در کلاس از زبان یک کودک در این مورد صحبت کند احتمالاً بیشتر به دل بچه‌ها می‌نشیند. او شروع کرد به اینکه مطالب را از زبان یک کودک بازنویسی کند. بعد برای این که موضوع طبیعی‌تر



باشد برای خودش یک ماسک درست کرد که قیافهٔ کودک را تداعی کند و یک کلاه که به ماسک متصل بود. او لحن صدا و تلفظ مطالبی را که از زبان کودک ادا می‌شد نیز تمرین کرد. او فکر کرد که امکان موفق نشدن نیز در این کار وجود دارد اما او مایل بود حتماً آن راه را امتحان کند.

زمانی که زهرا سر کلاس صحبت می‌کرد بچه‌ها سراسر مجذوب شده بودند. نحوهٔ بیان و ارائه مطلب برای معلم نیز بسیار جالب بود. زهرا از زبان یک کودک صحبت می‌کرد و هنگامی که نیاز به توضیحی بود کلاه و ماسک را برمی‌داشت و به طور کاملاً جدی صحبت می‌کرد. وقتی سخنرانی زهرا به پایان می‌رسد و روی صندلیش می‌نشیند از همهٔ قسمت‌های کارش احساس رضایت می‌کند. از کف‌زدن‌های همکلاسی‌ها و معلمش نیز متوجه می‌شود که سخنرانی او کاملاً موفقیت‌آمیز بوده است.

اما براستی آیا زهرا خلاق هم بود؟ سبک ارائه مطلب زهرا مطمئناً تازه بود. این کار با آنچه او قبلاً در این مورد انجام داده بود متفاوت بود و در حقیقت در تمامی کلاس بی‌نظیر بود شاید هم در مدرسه. و با هر ضابطه‌ای هم مناسب به نظر می‌رسید. و خودش و دیگران از این کار احساس رضایت می‌کردند از طرفی کار او با ارزش هم بود چون هم سبب یادگیری در خودش شده بود هم مطالب را به نحو مؤثرتری به دیگران انتقال داده بود. پس واضح است که کار زهرا بسیار خلاق بوده و مراحل را که او طی کرده است مراحل است که معمولاً در فرآیند خلاقیت اتفاق می‌افتد.

## فرآیند خلاقیت

صاحب‌نظران و محققانی که در مورد خلاقیت کار می‌کنند پنج مرحله را در فرآیند خلاقیت تشخیص داده‌اند.

۱. ارائه و بیان مسئله ۲. آماده‌سازی ۳. ایجاد ایده‌ها یا امکانات ۴. اعتباریابی ۵. ارزیابی نتیجه.

۱. مرحله ارائه کار یا مسئله: فرض کنید به شما گفته می‌شود یک سوپ تهیه کنید یا شاید خود تصمیم بگیرید کمی سوپ تهیه کنید (البته شما می‌توانید فقط یک کنسرو آماده سوپ را باز کنید اما در این صورت چیز نو و تازه‌ای تهیه نکرده‌اید) همانطور که به زهرا گفته شده بود در مورد یک موضوع در کلاس صحبت کند. زهرا می‌توانست این کار را انجام ندهد چون این یک تکلیف اختیاری بود اما امکان داشت معلم آن را به‌عنوان یک کار اجباری از همهٔ کلاس بخواهد. در اینجا یا مسئله‌ای از قبل وجود دارد و ارائه می‌شود یا فرد خود مسئله‌ای را کشف کرده یا مسئله‌یابی می‌کند.

در شروع فرآیند خلاقیت، انگیزه، نقش مهمی دارد و بنابر آنچه گفتیم می‌تواند تحت تأثیر محرک بیرونی یا محرک درونی در فرد باشد. (در مورد انگیزه بعداً به تفصیل صحبت خواهیم کرد) ۲. مرحله آماده‌سازی: در این مرحله، شما تمام منابع و اطلاعاتی را که برای حل مسئله لازم دارید جمع‌آوری می‌کنید مثلاً تمام مواد مورد نیاز سوپ را از قفسه‌ها یا یخچال بیرون می‌آورید یا خریداری می‌کنید. در مثال زهرا او به کتابخانه رفت یا با فامیل دانشجوی خود مشورت کرد یا منابع

لازم را مطالعه نمود. آنچه در این مرحله مهم است شناخت منابع لازم، دسترسی به آن‌ها و استفاده درست از راه‌های جمع‌آوری اطلاعات است. در مورد ذهن، آنچه معمولاً در جمع‌آوری اطلاعات به ما کمک می‌کند استفاده صحیح از حواس پنجگانه است که در این صورت برای پرورش خلاقیت کودکان باید حواس آن‌ها بخوبی پرورش یابد تا راه‌های درست دیدن، درست شنیدن، درست بوییدن، درست چشیدن و درست لمس کردن را فراگیرند. (در بخش دوم کتاب، این موارد مفصلاً شرح داده شده‌اند.)

۳. ایجاد ایده‌ها یا امکانات<sup>۱</sup>: مرحله‌ی سوم فرآیند خلاقیت همان است که اغلب مردم به‌عنوان خلاقیت می‌شناسند. در این مرحله، تمام پاسخ‌های ممکن با جستجوی راه‌های قابل دسترسی و روش‌های گوناگون ارائه می‌شود. در مورد تهیه‌ی سوپ ممکن است راه‌های متفاوتی به‌نظر شما برسد. شما ممکن است نسبت‌های مختلفی از اجزای تشکیل دهنده‌ی سوپ را در نظر بگیرید. در هر مورد ایده‌هایی به ذهن شما می‌رسد. در مورد مراحل مختلف اضافه کردن مواد و نسبت یا ترتیب آن‌ها. و نهایتاً ممکن است ایده بدیع و تازه‌ای به ذهن شما خطور کند. در مثال زهرا، شیوه‌های مختلفی از ارائه مطلب به ذهن او رسید که از بین روش‌های مختلف سخنرانی نهایتاً ایفای نقش را برگزید. این مرحله نیاز به مهارت‌هایی دارد که شامل مهارت‌های تفکر است. روش‌های تفکر واگرا یا خلاق، این مرحله را تسهیل می‌کنند. تخیل و تجسم نیز در این میان نقش اساسی دارند و برای پرورش آن نیز روش‌هایی وجود دارد (ما در جای خود، این روش‌ها را توضیح خواهیم داد).

— نهفتگی<sup>۲</sup>: نهفتگی یعنی رهاکردن مسئله برای مدتی<sup>۳</sup>. همان کار که زهرا برای مدتی انجام داد تا ایده‌ی ایفای نقش به ذهنش رسید. دوره نهفتگی لزوماً جدای از مرحله سوم نیست و زمان آن بسته به موضوع و شرایط متغیر است. در این حالت ذهن به‌صورت ناخودآگاه درگیر حل مسئله است. این زمان برای رسیدن به ایده‌ها و جنبه‌های جدید بسیار مؤثر است. مانند آن که بگذارید سوپ برای مدتی طولانی آهسته بجوشد که در نتیجه بعضی مواقع طعم تازه و بهتری به‌دست می‌آید. تجربه‌ی نهفتگی برای شما نیز احتمالاً پیش آمده و آن زمانی است که مثلاً شما شخصی را با قیافه‌ی آشنا می‌بینید ولی اسم او را به خاطر نمی‌آورید. زمانی با ذهن خود مشغولید و بعد دیگر به او فکر نمی‌کنید تا این که در موقع دیگری به‌صورت ناگهانی اسم وی را به خاطر می‌آورید. در این مرحله، ذهن به‌صورت ناخودآگاه درگیر این فرآیند بوده است. البته در فرآیند خلاقیت ممکن است این مرحله وجود نداشته باشد یا بسیار کوتاه باشد.

۴. اعتباریابی: اعتباریابی یعنی آزمودن ایده‌ها و امکاناتی که در مرحله سوم به‌دست می‌آید. در مورد سوپ هنگامی که آشپز سوپ را می‌چشد تا ببیند آیا سوپ خوب شده است. وقتی زهرا خود را به جای دیگران می‌گذارد و در مورد روش‌های مختلف قضاوت می‌کند بعضی از روش‌ها رضایت او را جلب نمی‌کند یا از آن به هیجان نمی‌آید.

در این مرحله، شخص به قضاوت می‌پردازد و از تفکر منطقی یا همگرا استفاده می‌کند و بر

۱- Idea ایده، پیش‌فرض ۲- generation of Ideas or possibilities

۳- Incubation

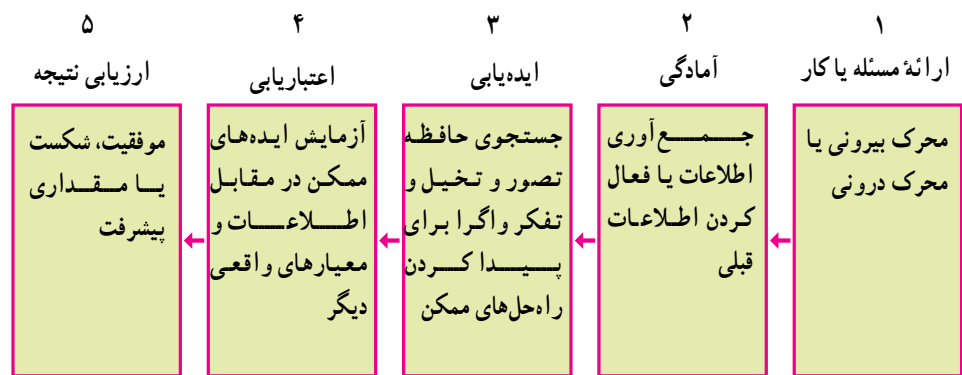
مهلتی بایست تا خون شیر شد

۴- به قول جناب مولانا: مدتی این مثنوی تأخیر شد



مبنای آزمون‌نی که انجام می‌دهد مشخص می‌کند که آیا کار درست است؟ آیا تازه و نو است؟ و آیا...؟ اغلب اتفاق می‌افتد که یک شخص بین مرحله سوم (ایجاد ایده‌ها) و مرحله چهارم (اعتباریابی ایده‌ها) در رفت و برگشت باشد. شما ممکن است بعضی از مواد را در سوپ بریزید؛ آن را بچشید؛ تصمیم بگیرید چیز متفاوتی را بیازمایید و مجدداً بچشید و غیره.

۵. ارزیابی نتیجه: این مرحله، بر مبنای نتایجی که در مرحله چهارم، به دست می‌آید شکل می‌گیرد. در صورتی که نتیجه موفقیت‌آمیز باشد فرد برای کار مشابه بعدی تقویت می‌شود. اگر با شکست همراه باشد انگیزه کار با این روش کم خواهد شد و اگر قسمتی با موفقیت همراه باشد انگیزه افزایش می‌یابد و فرد تلاش می‌کند برای رسیدن به هدف به طور کامل، مجدداً دست به فعالیت بزند. اگر زهرا در هنگام ارائه مطلب با شکست روبه‌رو می‌شد احتمالاً انگیزه وی کم می‌شد. ولی وی تشویق شد که در موقعیت‌های بعدی نیز دست به ابتکار بزند، شما نیز نهایتاً ممکن است آماده کشیدن سوپ شوید یا به این نتیجه برسید که سوپ به این شکل قابل استفاده نیست و شکل آن را عوض کنید و یا نهایتاً سوپ را دور بریزید و آشپزخانه را ترک کنید. مراحل پنج‌گانه فرآیند خلاقیت، در شکل زیر خلاصه شده‌اند.



شکل ۱-۲- مراحل پنج‌گانه فرآیند خلاقیت

### عناصر مربوط به خلاقیت<sup>۱</sup>

حال که با فرآیند خلاقیت آشنا شدیم بیایید نگاهی هم به عناصر خلاقیت بیندازیم. این عناصر به طور کلی به ۳ دسته تقسیم می‌شوند: ۱. قلمرو اطلاعات و دانایی ۲. قلمرو مهارت‌های مربوط به خلاقیت ۳. قلمرو انگیزه‌ها  
بر هر یک از این عناصر، عواملی نیز مؤثر هستند که باعث تقویت یا تضعیف آن‌ها می‌شوند و ما به آن‌ها نیز خواهیم پرداخت.

۱. قلمرو اطلاعات و دانایی: اطلاعات مربوط به موضوع برای حل مسایل معین یا انجام کار خاصی ضروری‌ست. این قلمرو شامل شناخت موضوع، اصول و حقایق و انگاره‌های<sup>۲</sup> نهفته در آن موضوع می‌باشد مهارت‌های مربوط به موضوع، به منزله مواد اولیه لازم برای شروع فرآیند

۱- component

۲- انگاره: اثری است که از یک محرک در مغز ما قبل از ادراک ایجاد می‌شود. مراجعه شود به کتاب

روان‌شناسی عمومی (سال دوم رشته‌ی کودکانیاری) ص ۴۶.

خلّاقیت است. روشن است که اگر نیوتن قانون جاذبه زمین را با افتادن سیبی از درخت کشف می‌کند، سال‌ها و سال‌ها در مورد اثرات اجسام بر یکدیگر مطالعه کرده است و بر قوانین فیزیک عمومی آگاهی دارد یا اگر برادران رایت می‌توانند ماشین پرنده خود را به پرواز درآورند به این دلیل است که آن‌ها از قوانین مکانیک و اصول مربوط به فشار هوا، جهت باد و چگونگی غلبه بر جاذبه، اطلاعاتی دارند. یا اگر کودکی بخواهد در نقاشی خلّاقیت داشته باشد باید قبلاً طرز استفاده از قلم مو، ترکیب رنگ‌ها و استفاده از آن‌ها را فراگرفته باشد یا برای شعر گفتن باید به اصول و قواعد ادبی آگاهی داشت. بنابراین، انسانی قادر است در یک زمینه خلّاق باشد که اطلاعاتی در آن زمینه داشته باشد البته دانایی در یک زمینه نمی‌تواند منجر به خلّاقیت در سایر زمینه‌ها گردد بنابراین یک شخص نمی‌تواند به‌طور مطلق خلّاق باشد.

مثال‌های فراوانی از افراد گمنام یا سرشناس وجود دارد که در زمینه‌های مختلف هنری، صنعتی، علمی یا ورزشی دست به خلّاقیت‌های جالب زده‌اند ولی هر یک از آن‌ها مدت‌ها در مورد موضوع موردنظر، مطالعه یا اندیشه کرده‌اند. شما می‌توانید با مطالعه سرگذشت مشاهیر این زمینه‌ها و سیری که در فرآیند خلّاقیت طی کرده‌اند این موضوع را بیشتر لمس کنید.

در مثال خودمان، اگر زهرا هیچ‌گونه اطلاعی از موضوع نداشت و زمینه‌های لازم اطلاعاتی برای او قبلاً فراهم نشده بود بعید به نظر می‌رسید که بداند چنین موضوعی وجود دارد یا این که برای جمع‌آوری اطلاعات به کجا چه منابع یا چه کسانی مراجعه نماید.

قلمرو دانایی در یک موضوع مربوط است به تجربه و آموزش‌هایی که فرد در این زمینه کسب کرده است و تحت تأثیر عواملی مانند هوش و استعداد، و توانایی‌های شناختی و نیز منابع در دسترس می‌باشد.

در تشبیهی که در مورد سوپ ارائه کردیم اطلاعات مربوط به مواد تشکیل دهنده سوپ، طعم و مزه آن‌ها، مقادیر لازم هر یک و روش‌های قبلی که در مورد تهیه انواع سوپ‌ها به کار می‌رود و غیره می‌باشد.

۲. قلمرو مهارت‌های مربوط به خلّاقیت: مهارت‌های مربوط به خلّاقیت، با شکستن قالب‌ها، دانایی مربوط به موضوع را در راه جدیدی به کار می‌گیرند یعنی از اطلاعات موجود به شکل جدید استفاده می‌کنند. اگر زهرا شیوه خاص کاری و فکری خود را به کار نمی‌برد می‌توانست به سادگی مانند سایرین قسمتی از اطلاعات مربوط به موضوع موردنظر خود را به شکل قبلی در کلاس مطرح کند. اما او آگاهانه در مورد انجام یک کار غیرعادی فکر کرد. او پیش از اینکه روی یک ایده متوقف شود با تدبیر کامل تعداد زیادی ایده تولید نمود و هنگامی که در مانده شد برای مدتی مسئله را کنار گذاشت و سپس یک ایده برای رسیدن به چیزی جالب ایجاد نمود.

مهارت‌های لازم برای چنین تفکری، البته آموختنی هستند. شیوه‌هایی که برای تجسم خلّاق به کار گرفته می‌شوند نیز قابل آموختن‌اند. ثابت شده است که آموزش این روش‌ها به افراد و مخصوصاً کودکان تأثیر مهمی در بروز خلّاقیت آن‌ها در آینده خواهد داشت.

مهارت‌های مربوط به خلّاقیت، تحت تأثیر عواملی مانند محیط اجتماعی و خانواده و عوامل تربیتی و خصوصیات شخصیتی فرد است. محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند و آموزش می‌بیند نیز



از جمله عواملی هستند که می‌تواند این مهارت‌ها را تقویت کرده یا آن را سرکوب نماید. شیوه‌های آموزشی و تربیتی مبتنی بر حفظ مطالب و اطاعت محض، سرکوب‌کننده‌های خلاقیت و مهارت‌های مربوط هستند.

تفکر خلاق و مهارت‌های مربوط به آن، به منزله چاشنی‌هایی هستند که به سوپ اضافه می‌شوند تا آن را خوشمزه سازند.

۳. قلمرو انگیزه‌ها: اگر فردی صرفاً اطلاعات مربوط به موضوع و مهارت‌های مربوط به خلاقیت را داشته باشد آیا می‌تواند موفق به انجام کار خلاق گردد. اکثر شواهد نشان می‌دهند جواب این سؤال منفی است، اما این دو گرچه لازمند ولی کافی نیستند.

انگیزه، یکی از عناصر اساسی و شاید یکی از مهم‌ترین آن‌ها در این مجموعه است. آنچه فردی را وامی‌دارد دست به کاری بزند انگیزه است. به قول روان‌شناسان، انگیزه چراغ‌های رفتار آدمی است. انسان بدون انگیزه نمی‌تواند به کار خود ادامه دهد و برای تحقق خلاقیت نیز وجود انگیزه بسیار لازم است. انگیزه‌ها اساساً به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: انگیزه درونی و انگیزه بیرونی. وقتی کار از خود شما باشد؛ وقتی به کاری علاقه‌مندید؛ هنگامی که خود را متعهد به انجام کاری می‌دانید و زمانی که به کاری عشق می‌ورزید انگیزه شما درونی است.

ولی وقتی که برای رضایت دیگران، گرفتن دستمزد، راحت شدن از یک وظیفه و یا کسب یک مقام، کاری را انجام می‌دهید انگیزه شما بیرونی است.

داشتن انگیزه بخصوص انگیزه درونی در تمام اعمال روزانه باعث می‌شود آن عمل با شور و اشتیاق و حرارت بیشتر و بهتری انجام شود. در مورد انگیزه درونی در عبادت، جمله‌ای از حضرت علی (ع) به زیباترین صورت بیان شده است. آن جمله زیبا این است «خدا یا من تو را از ترس دوزخ عبادت نمی‌کنم که آن عبادت‌بندگان است و تو را به امید و طمع بهشت نمی‌پرستم که آن عبادت‌افراد تاجر است. بلکه تو را از این روی عبادت می‌کنم که تو را شایسته این می‌یابم که بنده تو باشم». آنچه در مورد خلاقیت اهمیت دارد وجود انگیزه درونی است و حتی ذکر شده است که استفاده از انگیزه‌های بیرونی نظیر پاداش و جایزه می‌تواند مانعی برای خلاقیت باشد. انگیزه درونی دارای جنبه‌های مختلفی است:

● علاقه و حتی به صورت نهایی آن یعنی عشق

● تعهد

● ترکیبی از کار و بازی

● تمرکز کردن روی خود آن فعالیت

● احساس با ارزش بودن و مفید بودن

● شایستگی

● استقلال

علاقه و عشق به یک کار سبب می‌شود که تعهد انجام کار در فرد ایجاد شود و فرد با نهایت پشتکار و دقت به آن پردازد و کار برای او نشاط‌آور و شبیه بازی گردد و باعث شود تا فرد، همه

مسایل جنبی را رها کرده، بر فعالیت اصلی متمرکز گردد و از این رهگذر احساس مفید بودن و باارزش بودن نماید.

اگر والدین و مربیان بتوانند اصل انگیزه درونی خلاقیت را درک نموده، آن را به کار ببرند آغاز بسیار خوبی برای تشویق خلاقیت در کودکان خواهد بود. زیباترین جلوه‌های خلاقیت هنگامی بروز می‌کند که افراد در اصل به وسیله علاقه، تفریح و رضایت به آن کار برانگیخته شوند و فعالیت برای آن‌ها حالتی چالشی داشته باشد نه اینکه تحت فشارهای خارجی قرار گیرند.

شایستگی در کار به این معنی است که افراد، فعالیت‌هایی را انتخاب می‌کنند و از آن لذت می‌برند که احساس مسلط بودن به آن داشته باشند و از این راه انگیزه درونی آن‌ها افزایش می‌یابد. انگیزه، امری کاملاً فردی است یعنی یک کار معین ممکن است برای یک فرد خاص در یک موقعیت زمانی خاص جالب باشد.

در مورد زهرا، علاقه او به موضوع، وی را ترغیب به انجام کار کرد و رضایت حاصل از انجام آن باعث افزایش انگیزه وی شد.

اگر به مثال سوپ برگردیم انگیزه درونی در حقیقت، آن انرژی‌ای است که باعث می‌شود حرارت لازم برای پختن سوپ فراهم گردد. هرچه این حرارت مناسب‌تر باشد سوپ بهتر پخته می‌شود. چنانچه در شکل ۲-۲ دیده می‌شود اگر درون قابلمه مواد غذایی خوبی وجود داشته باشد (قلمرو دانایی) به همراه مخلوطی از چاشنی‌ها (قلمرو مهارت‌های خلاقیت) یک آتش خوب (قلمرو انگیزه) یک معجون عالی به وجود می‌آورد.

مهارت‌های مربوط به خلاقیت



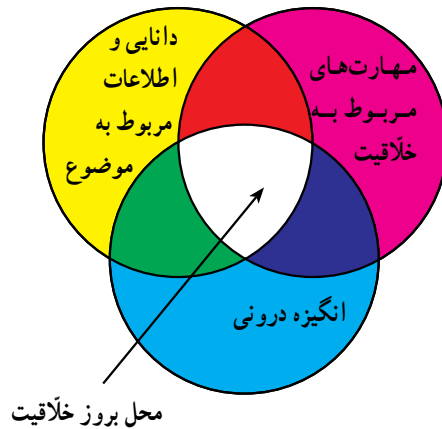
انگیزه درونی

شکل ۲-۲- عناصر خلاقیت





## رابطه عناصر خلاقیت



به‌راستی، خلاقیت چگونه بروز می‌کند؟ اگر به شکل ۲-۳ دقت نمایید درمی‌یابید که در واقع محل تقاطع عناصری که از آن‌ها نام بردیم ترکیب پر قدرتی‌ست که در این نقطه امکان بروز خلاقیت فراهم می‌شود. جایی که گستره دانایی و اطلاعات با مهارت‌های مربوط به خلاقیت و انگیزه‌ی درونی تلفیق می‌شود و گسترش این نقطه می‌تواند باعث افزایش و پرورش خلاقیت در کودکان شود.

در این فصل، سعی کردیم با ذکر یک مثال فرآیند شکل ۲-۳- رابطه عناصر خلاقیت

خلاقیت را تشریح نموده، نقش عناصر مختلف را در هر یک از این مراحل بیان کنیم. بر هر یک از عناصری که نام بردیم عواملی مؤثر است. این عوامل می‌توانند نقش تقویت‌کننده یا بازدارنده داشته باشند. در فصل بعد، به نقش این عوامل و موانع در بروز خلاقیت خواهیم پرداخت.



## خلاصه‌ی فصل دوم

شناخت مراحل مختلف فرآیند خلاقیت به ما کمک می‌کند تا بتوانیم در عمل هر مرحله را

به‌درستی تسهیل نماییم.

پنج مرحله در فرآیند خلاقیت ذکر شده است مرحله‌ای که یک مسئله یا کار به فرد ارجاع می‌شود یا خود با آن روبرو می‌شود بعد از آن فرد بایستی با جمع‌آوری اطلاعات یا فعال کردن اطلاعات قبلی به آمادگی لازم برای حل مسئله برسد. مرحله بعدی جایی است که با استفاده از مهارت‌های تفکر واگرا و تصور و تخیل، شخص به ایده‌یابی و پیدا کردن راه‌حل‌های نو برای حل آن مسئله می‌پردازد و در مرحله بعد فرد با تفکر همگرا ایده‌های تولید شده را از نظر عملی بودن و معیارهای واقعی می‌سنجد و دست آخر به ارزیابی نتیجه می‌پردازد که آیا به موفقیت رسیده یا نیاز به تغییر دیگری دارد.

برای این که مراحل به‌درستی طی شود فرد به عناصر خلاقیت یعنی دانایی، اطلاعات، مهارت‌های تفکر و انگیزه نیازمند است از این میان بخصوص انگیزه آن هم انگیزه درونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خلاقیت زمانی بروز می‌کند که فرد در مورد موضوع اطلاعات لازم را داشته باشد و بتواند به‌درستی این اطلاعات را در مرحله تفکر به کار گیرد و برای انجام آن انگیزه درونی لازم را داشته باشد.

## تمرین‌های فصل دوم

۱. فرض کنید از شما می‌خواهند مشکل مربوط به کمبود فضای آموزشی را حل کنید. چه مراحل را طی می‌کنید؟
۲. تمام راه‌هایی را که می‌توانید در مورد پرندگان اطلاع کسب کنید نام ببرید.
۳. ده ایده برای کمک به بچه‌های بی‌سرپرست پیشنهاد کنید.
۴. به نظر شما چگونه می‌توان دریا را به آتش کشید.
۵. ده شیوه برشمارید که به واسطه‌ی آن‌ها می‌توان مهارت‌های مربوط به دوچرخه سواری را افزایش داد.
۶. پنج راه برای افزایش انگیزه‌ی همکلاسی‌تان به درس خواندن پیشنهاد کنید.
۷. پنج راهی را که به واسطه‌ی آن‌ها می‌توان به درستی اطلاعات روزنامه‌ها پی برد، نام ببرید.
۸. ده تمرین برای افزایش اعتماد به نفس در خودتان ذکر کنید.
۹. فرض کنید بخواهید یک کودک پیش‌دستانی را نسبت به رنگ حساس کنید. از چه راه‌هایی می‌توانید این کار را انجام دهید.
۱۰. برای سه اختراع یا اکتشاف مهم، به انتخاب خودتان مراحل فرآیند خلاقیت را در کلاس تشریح کنید.
۱۱. پنج راه برای افزایش انگیزه کودکان پیش‌دستانی در نقاشی، پیشنهاد کنید.
۱۲. آیا به نظر شما همیشه باید مسئله‌ای وجود داشته باشد تا فرآیند خلاقیت شروع شود؟ چه راه‌هایی را پیشنهاد می‌کنید که از آن طریق افراد خود تولید سؤال کنند؟

